

A comparative comparison of Shahid Beheshti's “the idea of governing” and” the ideal governing”

Farhad Vafaei fard¹
Reza khorasani²

- 1. PhD. student, Department of Global and Regional Policy, Faculty of Economics and Political Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (Corresponding Author); f_vafaeifard@sbu.ac.ir*
- 2. Assistant Professor, Department of Political Science and Thought, Faculty of Economics and Political Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran; reza.khorasanie@gmail.com*

Received: 25 November 2017; **Accepted:** 7 September 2018

Abstract

This project was aimed at estimating ratio associated with the theory of “ideal governing” alongside with the hidden capacity of Mohamad Hoseini Beheshti's political thoughts, besides estimating the possibility of “the idea of governing” as a practical approach which is compatible to Iranian community context. In this way, the theory of "nation and Imamate" from one side, and freedom factors, justice, organizational approach, besides some of Beheshti's political thought were relied on. The main assumption of this research was that in political thoughts of Beheshti, the contributing factors to the theory of "the ideal governing" have an acceptable theoretical capacity to promote the idea of governing.

Keywords: The theory of Ideal Governing, Political thoughts, the theory of nations and Imamate, The Idea of Governing, Seyyed Mohamad Hosseini Beheshti.

مقایسه تطبیقی «ایده حکمرانی» آیت‌الله بهشتی با «حکمرانی خوب»

فرهاد وفايي فرد^۱

رضا خراسانی^۲

۱. دانشجوی دکتری، گروه سیاست جهانی و منطقه‌ای، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران،

ایران (نویسنده مسئول): f_vafaeifard@sbu.ac.ir

۲. استادیار، گروه علوم و اندیشه سیاسی، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران؛ و عضو

انجمن مطالعات سیاسی حوزه: reza.khorasanie@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۰۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۱۶

چکیده

هدف پژوهش حاضر نسبت‌سنجی ایده «حکمرانی خوب» با ظرفیت‌های نهفته‌ی اندیشه سیاسی سیدمحمد حسینی بهشتی و نیز امکان‌سنجی طرح ایده حکمرانی در آراء و نظرات وی است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و با تکیه بر نظریه «امت و امامت» از یک‌سو و بررسی مؤلفه‌های آزادی، عدالت، نگرش تشکیلاتی و برخی دیدگاه‌های اقتصادی در اندیشه سیاسی بهشتی از سوی دیگر تلاش شد تا مقدمات نظری و مفهومی طرح «ایده حکمرانی» به‌عنوان رویکردی کارآمد، روزآمد و متناسب با بافتار و ساختار جامعه ایران ارائه شود. این پژوهش بر این فرض استوار بود که در اندیشه سیاسی بهشتی مؤلفه‌های نظریه حکمرانی خوب بر پایه اصل امت و امامت به‌گونه‌ای مطرح شده که امکانات و ظرفیت‌های نظری و مفهومی مناسبی برای طرح ایده حکمرانی فراهم کرده است.

واژه‌های کلیدی: نظریه حکمرانی خوب، اندیشه سیاسی، نظریه امت و امامت، ایده حکمرانی، سید محمدحسینی بهشتی.

مقدمه

پژوهش پیش رو این پرسش اساسی را درباره «حکمرانی از دیدگاه سید محمد حسینی بهشتی» صورت‌بندی می‌کند که: چگونه می‌توان با تکیه بر اندیشه سیاسی بهشتی به تدارک مقدمات نظری و مفهومی طرح ایده حکمرانی پرداخت؟ برای بررسی پرسش اساسی این پژوهش و طراحی فرضیه‌ای مناسب، اندیشه‌های سیاسی بهشتی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و اصل «امت و امامت» به عنوان متغیر مستقل و «امکان طرح ایده حکمرانی» به عنوان متغیر وابسته مورد استفاده خواهد بود. هم‌چنین امکانات و ظرفیت‌های مفهومی اندیشه سیاسی وی به عنوان رابط و واسطه بین متغیر مستقل و وابسته مذکور، تلقی شده است. بنابراین، فرضیه پژوهش حاضر نیز بدین‌گونه خواهد بود که: در اندیشه سیاسی بهشتی مؤلفه‌های نظریه حکمرانی خوب بر پایه اصل امت و امامت به‌گونه‌ای مطرح شده که امکانات و ظرفیت‌های نظری و مفهومی مناسبی برای طرح ایده حکمرانی فراهم کرده است.

نظریه حکمرانی خوب با ارائه شاخص‌های مختلفی بیان شده و نهادهای بین‌المللی با رصد نحوه اجرای بسته‌های پیشنهادی در کشورهای گوناگون به تصمیم‌گیری درباره اعطای کمک به کشورهای هدف مبادرت می‌ورزند (ر.ک.: کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، ۱۳۹۴). شاخص‌های حکمرانی خوب در گزارش سال ۲۰۰۶ میلادی بانک جهانی انعکاس یافت. در این گزارش پاسخگویی و اظهارنظر^۱، ثبات سیاسی و عدم وجود خشونت^۲، اثربخشی دولت^۳، کیفیت قوانین و مقررات^۴، حاکمیت قانون^۵ و کنترل فساد^۶ به‌عنوان ۶ شاخص نظریه حکمرانی خوب شناخته شده‌اند (www.worldbank.org/governance/WGI). این شاخص‌ها به اختصار در ذیل تعریف می‌شوند:

1. Voice and Accountability
2. Political Stability and Absence of Violence
3. Government Effectiveness
4. Regulatory Quality
5. Rule of Law
6. Control of Corruption

۱. پاسخگویی و اظهار نظر

بانک جهانی این شاخص را به حسابرسی موثر از حکومت، تمرکززدایی و نقش سازمان‌های غیردولتی مرتبط می‌داند (Uddin & Ashrafun, 2007: P9). از دیدگاه برخی از متفکران، آزادی بیان، آزادی تجمع و رسانه‌های آزاد را می‌توان از ملزومات این شاخص دانست (Kaufmann, Kraay & Mastruzzi, 2011: P3).

۲. ثبات سیاسی و عدم وجود خشونت

از مهم‌ترین سازوکارهای تحقق شاخص ثبات سیاسی و عدم وجود خشونت، وجود احزاب است. احزاب شبکه‌هایی هستند که منافع و نظرات گوناگون را تجمیع کرده و آن‌ها را در قالب سیاست‌ها و رویکردهای گوناگون مفصل‌بندی می‌کنند (قوام، ۱۳۹۲: ص ۱۵۳).

۳. اثربخشی دولت

در تعاریف ارائه شده کیفیت خدمات عمومی، میزان استقلال این خدمات از فشارهای سیاسی و کیفیت تدوین سیاست‌ها مورد بررسی قرار گرفته است (Lee & Whitford, 2009: P12).

۴. کیفیت قوانین و مقررات

توانایی دولت در تدوین و اجرای سیاست‌ها و مقرراتی که اجازه فعالیت بخش خصوصی را بدهد و ترویج و توسعه‌ی آن را پیگیری کند، ذیل این شاخص قرار می‌گیرد (Kaufmann; Kraay & Mastruzzi, 2011: P3).

۵. حاکمیت قانون

حاکمیت قانون به قوانین موجود در نهادهایی نظیر پلیس، دادگاه‌ها و همچنین حوزه‌ی جرم و جنایت باز می‌گردد. از مهم‌ترین نشانه‌های این شاخص اعتماد بخش خصوصی به نظام قضایی و توانایی آن در مطالبه‌ی حقوق خود و کارآیی نیروهای امنیتی در ایجاد امنیت برای شهروندان است (مقدری، ۱۳۹۵: ص ۵۵).

۶. کنترل فساد

استفاده از قدرت عمومی برای کسب منافع خصوصی و یا تصاحب و تسخیر دولت توسط بخش خصوصی در زمره‌ی فساد است.

«امت و امامت» در آرای بهشتی

در تبیین‌های گوناگون نظام سیاسی در اسلام، رهبری و حکومت در جامعه به عنوان یکی از موضوعات اساسی مورد بحث قرار گرفته است. به اعتقاد یکی از نویسندگان، هیچ اندیشه سیاسی‌ای در ادبیات شیعه را نمی‌توان یافت که عزیمت‌گاه آن، نظریه امامت و تداوم آن در دوران غیبت نباشد (فیرحی، ۱۳۹۴: ج ۲، ص ۳۴۳). پس بدیهی خواهد بود که اندیشه سیاسی بهشتی نیز از چنین زاویه‌ای طرح و آغاز شود. بهشتی در بحث از نوع نظام حاکم بر جامعه و پس از ارائه مباحث عقلانی و برون‌دینی در باب ضرورت رهبری (بهشتی، ۱۳۸۳: ص ۱۸۵-۱۷۷) در بیان‌های متعددی نظام مورد نظر خود را با نام «امت و امامت» معرفی می‌کند و خاستگاه این نظام را همان الگوی آرمانی امامت می‌داند (بهشتی، ۱۳۷۸: ص ۳۹). این نظام از دو عنصر «امت» و «امامت» تشکیل شده است که علاوه بر ارتباط متقابل، هرکدام واجد ویژگی‌هایی هستند که آن‌ها را از سایر مفاهیم یا تعابیر مشابه تمییز می‌دهد.

یکی از عناصر اصلی این نظریه، امت است. به نظر می‌رسد بهشتی در کاربرد این تعبیر هدف خاصی را دنبال کرده است که بعدها در اقامه دلایل خود درباره رهبری جامعه از این مفهوم بهره می‌جوید. از دیدگاه وی امت یک خاستگاه دارد و یک جهت‌گیری. به عبارت دیگر، امت در نظام امت و امامت در شرایطی شکل می‌گیرد و سوگیری خاصی را نیز به دنبال دارد. بهشتی با تفکیک میان «ناس» و «امت» در بیان خاستگاه امت، آن را با عقیده گره می‌زند و می‌گوید: اشتراک در اعتقاد به اسلام است که امت را شکل می‌دهد (همان: ص ۴۰). بنابراین، این دیدگاه آشکارا اصالت اشتراک در عقیده را می‌پذیرد و آن را عامل تمایز ناس و امت می‌داند. علاوه بر این هنگامی که گروهی از افراد بر مبنای عقاید مشترک گرد هم آمده و امت را تشکیل می‌دهند، این عقیده مشترک خطوط کلی حرکت آن‌ها را نیز ترسیم می‌کند (همان). بنابراین، امت پس از شکل‌گیری به سمت اهداف منبعث از عقاید مشترک پذیرفته شده حرکت می‌کند.

دومین جزء از نظریه امت و امامت، «امام» است. بهشتی با تفکیک دوران حضور و غیبت امام معصوم، حکومت در زمان غیبت را در سه شکل ممکن می‌داند: انتصاب از طرف خدا، انتصاب از

جانب پیغمبر، انتصاب یا به عبارت دیگر انتخاب از طرف مردم مسلمان (بهشتی، ۱۳۸۶ج: ص ۴۴۲). عبارت «مردم مسلمان» بیان دیگری از مفهوم امت بوده و حق انتخاب حاکم به آنها سپرده شده است. تا جایی که شاید بتوان برجسته‌ترین ویژگی عنصر امام را انتخابی بودن آن دانست (بهشتی، ۱۳۷۸: ص ۱۵). بهشتی علاوه بر این که امت را «شدنی» آگاهانه و آزادانه می‌داند، تحقق امامت را نیز منوط به پذیرش مردم می‌کند و هیچ‌گونه اجبار و تحمیلی را بر نمی‌تابد. وی علاوه بر ارائه تبیین مردم‌سالارانه از رأس حکومت، چنین رویکردی را به سایر ارکان جامعه نیز تسری می‌دهد (همان: ص ۱۹). بهشتی به صراحت نه تنها فعلیت یافتن حکومت در جامعه را منوط به پذیرش مردم می‌داند، بلکه شرط تمامیت و شأنیت ولایت را نیز «آرای عمومی» در نظر می‌گیرد (صورت مشروح مذاکرات مجلس: ج ۱، ص ۵۲۳). وی پس از ارائه توضیحاتی درباره محیط اجتماعی مورد نظر اسلام و بیان برخی ویژگی‌های آن، تحقق چنین محیطی را با مختصات نظام سیاسی گره می‌زند و با اشاره به تکرر - به عنوان ضرورت دستیابی به چنین محیطی - به نفی سانترالیسم^۱ و مرکزگرایی می‌پردازد (بهشتی، ۱۳۷۸: ص ۶۶-۶۵).

بنابراین، از دیدگاه بهشتی، شکل‌گیری نظام امت و امامت، فرآیندی مرحله‌ای است. به عبارت دیگر، ابتدا باید گروهی از افراد براساس اصل وحدت در عقیده، امتی را تشکیل دهند و سپس امامتی را آگاهانه و آزادانه انتخاب کنند و در این نقطه، مسئولیت‌های متقابل امت و امامت شکل می‌گیرد. در اندیشه‌ی سیاسی وی، تشکیل امت برخلاف برخی اجتماعات دیگر - نظیر ملیت - ارادی است (بهشتی، ۱۳۸۶ج: ص ۴۰۲).



مولفه‌های ایده حکمرانی در اندیشه‌ی سیاسی بهشتی

در آرای بهشتی، فرآیند اصلاح و اداره جامعه برای نیل به اهداف عالی مادی و معنوی باید از تدوین و اجرای نظام حکمرانی صحیح آغاز شود (بهشتی، ۱۳۷۸: ص ۴۲). پس نظام سیاسی پیش از هر مقوله‌ای باید برای چگونگی مدیریت جامعه برنامه داشته باشد و این یعنی همه مسیرها از حکمرانی می‌گذرد. بر این اساس، از دیدگاه بهشتی تحولات و فرآیندهای گوناگون جامعه باید از طراحی نظام حکمرانی آغاز شود که یکی از این فرآیندها، «تمدن‌سازی اسلامی» است. سیدمحمد حسینی بهشتی به عنوان یکی از متفکرانی که می‌توان وی را در زمره نوگرایان دینی قلمداد کرد، همواره در برابر این پرسش که فرآیند تمدن‌سازی اسلامی از کجا آغاز می‌شود، نقطه آغاز را تحقق دولت اسلامی می‌داند (میراحمدی، ۱۳۹۵: جزوه‌ی درسی). نکته حائز اهمیت این‌که «دولت اسلامی» از دیدگاه وی واجد دو بعد محتوا و ساختار است؛ محتوای این نظام حکمرانی برگرفته از مبانی اسلامی و ساختارها، و قالب‌های اجرایی آن برگرفته از نیازها و الزامات روزآمد و کارآمد است: «از این امت و امامت چه برمی‌خیزد؟ مدیریت جامعه. شکل این مدیریت چیست؟ شکل خاصی در اسلام برای آن پیشنهاد نشده است؛ در هر زمان و در هر مکان و متناسب با شرایط مختلف می‌شود آشکال مختلف داشته باشد» (بهشتی، ۱۳۷۸: ص ۴۳).

بنابراین، نظریه‌ی امت و امامت می‌تواند مقدمات و ظرفیت‌های مفهومی ایده حکمرانی را تدارک ببیند و پژوهش حاضر درصدد ارائه این مقدمات است. بدون تردید ترسیم کامل یک نظریه جامع درباره‌ی حکمرانی و ارائه‌ی مولفه‌های آن نیازمند تاملات و اندیشه‌ورزی‌های بیشتری از جانب متفکران خواهد بود؛ در مجموع، آنچه در ادامه می‌آید، ارائه‌ی طرحی کلی از برخی مولفه‌های حکمرانی از دیدگاه بهشتی و تطبیق آن با مولفه‌های نظریه‌ی حکمرانی خوب است. بدون تردید پرداختن به عناصر پیش‌رو به معنای نفی سایر وجوه اندیشه بهشتی یا وجود برخی دیگر از مولفه‌ها در اندیشه‌ی سیاسی وی نیست.

آزادی

آزادی در دیدگاه بهشتی تلفیقی از «خودسازی» و «محیط‌سازی» است. وی با عدم پذیرش

اصالت قطعی فرد بدون در نظر گرفتن مفهومی به نام اجتماع، و اصالت قطعی و همه جانبه اجتماع و نادیده گرفتن حقوق و آزادی‌های فردی، بر تعامل سازنده‌ی این دو تاکید می‌کند (بهشتی، ۱۳۸۱: ص ۹۰). بهشتی بُعدی از آزادی را مورد توجه قرار می‌دهد که علاوه بر ارتباط با شهروندان، وجهی اجتماعی نیز دارد. براساس این دیدگاه، آزادی در انتخاب روش و مسیر زندگی از اقتضائات وجود آدمی است؛ از این رو در جامعه نیز باید اندیشه‌ها و مسیرهای متفاوتی وجود داشته باشد تا فرد از میان آن‌ها دست به گزینش بزند، زیرا ارزش انسان به چنین انتخاب‌هایی است.

در دیدگاه بهشتی اگرچه حکمرانی مطلوب باید نظام اجتماعی را به گونه‌ای سامان دهد که بسترهای مناسب برای رشد آگاهی‌های فردی و اجتماعی در آن شکل بگیرند و زمینه گمراهی در آن کاهش یابد، اما نظام اجتماعی مطلوب به صفر رساننده هرگونه عقاید و افکار مخالف و زمینه‌ی بروز آن‌ها نیست. بهشتی در مناظره‌ی تلویزیونی با نمایندگان برخی از احزاب سیاسی در سال ۱۳۶۰ در اظهاراتی به صراحت چنین جامعه‌ی یک‌سوگرایانه‌ای را رد می‌کند (بهشتی، ۱۳۸۱: ص ۱۵۳) و در گفتارهای خود در جمع مسئولان آموزش و پرورش نیز با تاکید بر وجه انتخاب‌گری انسان، مبنای تربیت اسلامی را اصل آزادی در انتخاب قلمداد می‌کند و معلمان را از تربیت انسان‌های ابزارگونه برحذر می‌دارد (بهشتی، ۱۳۸۰: ص ۱۵۹).

موضوع حفظ کرامت و آزادی شهروندان در محاکم قضایی و انتظامی نیز از مقوله‌های مورد توجه بهشتی در حوزه آزادی است. نمونه‌های فراوانی از مباحث مجلس بررسی قانون اساسی موید این نکته محسوب می‌شود. بهشتی در بحث از اصل ۱۶۸ قانون اساسی و رسیدگی علنی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی، از برگزاری علنی این‌گونه محاکمات دفاع کرده و آن را مانع بروز استبداد می‌داند (صورت مشروح مذاکرات مجلس: ج ۳، ص ۱۶۸۱-۱۶۸۰). وی هم‌چنین در جریان تصویب اصل ۳۸ قانون اساسی - که به موضوع منع شکنجه می‌پردازد - با رویکردی نوگرایانه و در مخالفت با برخی دیدگاه‌ها که وجود برخی استثنائات در شکنجه را بدون اشکال می‌دانستند، استفاده از راه‌کارهای نامشروع برای تحقق برخی اهداف و مصالح را رد می‌کند (همان: ج ۱، ص ۷۷۸).

از مهم‌ترین وجوه آزادی در دیدگاه بهشتی، لزوم «انتقادپذیری مسئولان» است. وی در سخنرانی سال ۱۳۴۹ خود در مجمع عمومی اتحادیه دانشجویان مسلمان در اروپا، با برشمردن برخی از اصول تشکیلاتی از دیدگاه اسلام، آزادی انتقاد از رهبران را به‌عنوان یک اصل غیرقابل تردید مورد اشاره قرار می‌دهد که در هیچ شرایطی نمی‌توان خللی به آن وارد ساخت (بهشتی، ۱۳۸۶/الف: ص ۱۳۵-۱۳۴). بهشتی با مقایسه روابط میان مردم و حاکمان در جوامع رشدیافته و رشدنیافته بر لزوم انتقاد از مسئولان جامعه تاکید می‌کند (بهشتی، ۱۳۹۰/الف: ص ۲۷۳-۲۷۲). وی در جلسات مجلس خبرگان قانون اساسی درباره اصل ۲۷ با پذیرش برخی مقررات در راهپیمایی‌ها و تجمعات و دخالت دولت در نظم آن‌ها، معتقد بود باید این قبیل برنامه‌ها فارغ از مداخلات دولت در اصل برگزاری باشد و دولت نتواند با هر بهانه‌ای مانع از آن شوند (صورت مشروح مذاکرات مجلس: ج ۱: ص ۷۱۳-۷۱۰). بهشتی هم‌چنین در بحث از اصل ۲۶ قانون اساسی ابتدا به تفکیک دو مقوله‌ی «تجمعات و مباحث فکری مخالف اسلام» و «تجمعات و مباحث درهم‌شکننده‌ی اساس جمهوری اسلامی» می‌پردازد و با پذیرش مقوله نخست و ردّ مقوله دوم، از آزادی بیان در مسائل مخالف دیدگاه اسلام حمایت می‌کند (همان: ص ۶۷۰).

عدالت

بررسی دیدگاه‌های بهشتی درباره‌ی مفهوم عدالت، دو نکته‌ی اساسی را نشان می‌دهد. ابتدا این‌که عدالت در نظام فکری وی اگرچه خاستگاه فکری و فلسفی دارد، اما وجه اجتماعی و نمود عملی آن بسیار برجسته و حائز اهمیت است. به همین دلیل بهشتی در اشارات گوناگون خود وجه اجتماعی عدالت را مورد تاکید فراوان قرار می‌دهد (بهشتی، ۱۳۹۰/ب: ص ۵۳) و برقراری عدالت اجتماعی را از اهداف اصلی اسلام می‌داند (بهشتی، ۱۳۸۶/ج: ص ۴۰۴). نکته دومی که در اندیشه بهشتی درباره‌ی عدالت وجود دارد، رابطه مستقیمی است که وی میان عدل و دین برقرار می‌کند و حتی گاهی به یگانه‌انگاری این دو می‌پردازد: «دین یعنی عدل و عدل یعنی دین. هر جا دیدید می‌گویید دین و اسلام هست و عدالت اجتماعی نیست، بدانید که آن دین و اسلام قلابی است» (در مکتب قرآن، ۱۳۹۵/۰۴/۱۰). عبارات فوق آشکارا نشان‌دهنده اهمیت عدالت در دیدگاه بهشتی

است و این اهمیت تا جایی پیش می‌رود که به این‌همانی و تساوی دو مقوله‌ی دین و عدل می‌انجامد. به عبارت دیگر، غلظت دینی بودن یک جامعه به میزان پابندی آن به تحقق عدالت اجتماعی بستگی دارد.

یکی دیگر از ابعاد برجسته مفهوم عدالت در اندیشه بهشتی در نظر گرفتن آن به عنوان شاخصه‌ای برای حکمرانان است. از مهم‌ترین صلاحیت‌هایی که فقدان آن باعث حذف شایستگی‌های حکمرانی در فرد یا مجموعه‌ای از افراد می‌شود، عدالت است. بنابراین، در اندیشه بهشتی امامان عادل از درون جامعه‌ای بیرون می‌آیند که روابط عادلانه بر آن حکم فرما باشد و این جامعه است که باید برای ساختن و به قدرت رساندن حکمرانان عادل تلاش کند. وی از چنین زاویه‌ای به تفکیک «امامت عدل» و «امام عادل» می‌پردازد و هویت نظام اسلامی را به مفهومی فراتر از عدالت حاکمان گره می‌زند (بهشتی، ۱۳۷۹: ص ۱۲۹-۱۱۳). در جامعه مورد نظر وی، عدالت محتوای تمامی روابط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است و حتی زیربنای روابط انسانی، عدل دانسته می‌شود. با این نگاه، «عدالت» را می‌توان در کنار «آزادی»، دو بنیان جامعه مطلوب در آرای بهشتی دانست. در حالی که برخی از مکاتب فلسفی، آزادی یا عدالت را مقدم بر دیگری می‌دانند و وظیفه اولیه و اصلی حکومت‌ها را تامین یکی از آن‌ها برمی‌شمارند، در اندیشه سیاسی بهشتی عدالت و آزادی همانند دو بالی هستند که برای سیر یک جامعه به سمت اهداف مادی و معنوی، توأمان لازم‌اند. در همین زمینه بهشتی پس از تفکیک میان حاکم شدن عدل الهی بر انسان نسبت به سایر موجودات، در عباراتی بر توأمی عدالت و آزادی انسان تاکید می‌کند (بهشتی، ۱۳۹۲: ص ۲۱۷).

علاوه بر وجوه اخیر، عدالت اجتماعی از دیدگاه بهشتی آن‌چنان برجسته است که بر دیدگاه وی در مسائل اقتصادی - و از جمله موضوع ربا- نیز اثر می‌گذارد. وی عدل اقتصادی را بهره‌وری همه‌ی افراد از همه‌ی نیازهای زندگی معنا می‌کند و انسان‌ها را در بهره بردن از مواهب طبیعی برابر می‌داند (همان: ص ۳۷۳). در همین زمینه یکی از نویسندگان با بررسی دیدگاه بهشتی درباره ربا و معرفی آن با عنوان «نظریه تعمیم یافته ربا» به چنین اثرات مشهودی اشاره می‌کند. بر این

اساس توجه به مفهوم عدالت به عنوان لزوم تناسب میان صلاحیت‌ها و برخورداری‌ها، بهشتی را به سمت عبور از ظاهر مسالهی ربا سوق می‌دهد و متوجه محتوای آن می‌کند (ر.ک به: گفت‌وگوی شفقنا با فرشاد مؤمنی، ۷ تیر ۱۳۹۵). بنابراین، برخلاف بسیاری از اندیشمندان که مسئله ربا را صرفاً در ارتباط با مبادلات اقتصادی و نقش پول در آن ارزیابی می‌کنند، بهشتی با تعمیم مفهوم ربا به هرگونه اکتساب‌های فاقد صلاحیت، گام مهمی در تحقق مفهوم عدالت در جامعه برمی‌دارد.

تشکیلات

موضوع تحزب و امکان‌سنجی تحقق آن در ایران، اگرچه در آراء و نظریات برخی از اندیشمندان معاصر انقلاب اسلامی از جمله بنیان‌گذار آن مطرح شده است (برای اطلاعات بیشتر ر.ک.: احمدوند و خراسانی، ۱۳۹۶)، اما بهشتی یکی از معدود افرادی است که چه به لحاظ نظری و چه به لحاظ عملی به این عرصه ورود کرده است. حزب به معنای خاص آن در ادبیات سیاسی، تنها بخشی از نگرش عام بهشتی به مقوله‌ی «تشکل» است؛ ولی تشکیلات، تمام ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حکمرانی را دربرمی‌گیرد. بهشتی در یکی از سخنرانی‌های سال ۱۳۶۰ خود که در مجموعه‌ی «حزب جمهوری اسلامی، گفتارها، گفت‌وگوها، نوشتارها» منتشر شد، در پاسخ به پرسشی درباره‌ی معنای تشکل، از آرمان مشترک سخن می‌گوید (بهشتی، ۱۳۹۰/ب: ص ۱۴۹). بر این اساس، به دست گرفتن قدرت و مناصب دولتی و حکومتی مورد اشاره واقع نشده‌اند، بلکه «کادرسازی» به عنوان مهم‌ترین هدف تشکل از دیدگاه بهشتی مطرح شده است.

به این ترتیب دو سطح از تشکیلات یا دو برداشت از مقوله‌ی تشکیلات در اندیشه بهشتی را می‌توان رهگیری کرد. در برداشت نخست، «تشکیلات» با رویکردی جامع، فراتر از موضوعات مرتبط با «امر سیاسی» است و توجه به خودسازی، دغدغه‌ی معضلات مردم، دوری از تعصبات کورکورانه در تشکیلات، و مواردی از این‌دست ویژگی‌های تشکیلات مطلوب می‌باشد (همان: ص ۲۱۴-۲۱۰). برداشت دومی از تشکل را در دیدگاه بهشتی در نظام امت و امامت می‌توان مشاهده و ادعا کرد که این برداشت، معنای اصلی و حقیقی تشکل در اندیشه‌ی سیاسی بهشتی است. در این برداشت، وی نسبتی میان نظام حکمرانی موردنظر خود و مقوله‌ی تشکل قائل بوده

که دومی، درون اولی تعریف می‌شود. تشکّل در این حالت، درون نظام امت و امامت قرار می‌گیرد و کارکرد صحیح آن منوط به وجود چنین نظامی است. چنین برداشتی را می‌توان به واژه‌ی «حزب» نزدیک‌تر دانست. در این برداشت، تشکّل، ابزار حکمرانی بوده و در خدمت آن قرار می‌گیرد؛ به همین دلیل بهشتی چنین تشکّلی را در راستای نظام امت و امامت می‌داند (همان: ص ۲۳۳). بررسی آراء و نظرات بهشتی درباره‌ی حزب و رابطه‌ی آن با ولایت در نظام امت و امامت، این نکته را روشن می‌کند که وی رهبری را نهاد اجرایی نمی‌دانست، بلکه نقش نظارتی و هدایت برای آن قائل بود.

زیربنای اندیشه‌ی بهشتی در تشکیل حزب و رابطه‌ی آن با نهاد ولایت، تحقق بخشیدن به اهداف امامت است. به عبارت دیگر، بهشتی گسترش نهاد ولایت به حوزه اجرا را به مصلحت نمی‌دانست و در روند تصویب قانون اساسی در برابر چنین دیدگاهی ایستادگی می‌کرد. وی در بحث از اصل ۸۰ قانون اساسی که گرفتن یا دادن وام را به تصویب مجلس شورای اسلامی موکول می‌کند، در مقابل این دیدگاه که علاوه بر مجلس، شورای رهبری نیز آن را تصویب کند، مخالفت می‌کند (صورت مشروح مذاکرات مجلس: ج ۲، ص ۸۷۳). وی معتقد است که رهبر یا شورای رهبری در نظام امت و امامت، نهاد یا سازمانی در کنار سایر سازمان‌ها نیست. اما پرسش اینجاست که خلاء برنامه‌ریزی برای اجرای سیاست‌ها و اهداف امامت در نظام امت و امامت را چگونه می‌توان پر کرد؟ چگونه می‌توان امت را برای پذیرش مسئولیت‌های گوناگون تجهیز کرد؟ بهشتی در پاسخ به چنین پرسش‌هایی، حزب را به عنوان بازوی اجرایی ولایت مطرح کرده و از ضرورت آن سخن می‌گوید و معتقد است چون اعمال ولایت به کادرسازی نیاز دارد، حزب چنین نقشی را ایفا می‌کند (بهشتی، ۱۳۹۰/ب: ص ۱۴۷).

دیدگاه‌های اقتصادی

بهشتی با بررسی برخی از ویژگی‌های نظام‌های سرمایه‌داری و سوسیالیستی، اندیشه‌های خود را از دو جنبه‌ی سلبی و ایجابی مطرح می‌کند و با ارائه مرزبندی روشنی با آن‌ها، دیدگاه‌های خود را بدیل سومی می‌داند. برخی از نظرات بهشتی درباره‌ی مقوله‌های اقتصادی با اندیشه‌ی وی درباره

رابطه‌ی فرد و اجتماع نسبت دارد. به همین دلیل بهشتی در دیدگاه سلبی خود نسبت به اندیشه‌ی لیبرالیسم، با تفکیک آنارشیزم^۱ از لیبرالیسم، به دو محدودیت برای آزادی فردی اشاره می‌کند و از آن به طرح اندیشه خود درباره‌ی رابطه فرد و اجتماع پل می‌زند. ابتدا اعمال آزادی یک فرد تا مرز عدم تحدید آزادی دیگران، و دیگری اعمال آزادی تا مرز عدم آسیب به محیط اجتماعی (بهشتی، ۱۳۸۱: ص ۹۳-۹۲). بنابراین، بهشتی علاوه بر پذیرش آزادی‌های فردی، محیط اجتماعی را نیز واجد هویت و اصالتی می‌داند که نباید مورد آسیب قرار گیرد؛ این استدلال را می‌توان زیربنای اندیشه‌ی وی در پذیرش برخی محدودیت‌ها بر مالکیت خصوصی ذکر کرد. به نظر می‌رسد هرگاه وی سخنی از اعمال برخی محدودیت‌ها - از جمله نرخ‌گذاری - به میان می‌آورد (بهشتی، ۱۳۸۶/ ب: ص ۵۴-۵۱)، براساس چنین استدلالی باشد.

بهشتی در بحث از اصالت فرد و اجتماع، با ردّ اصالت تام و تمام هر کدام از این دو، رأی به اصالت مختلط می‌دهد (بهشتی، ۱۳۸۶/ الف: ص ۱۲۹). اگر آرای لیبرال‌ها مبنی بر آزادی اقتصادی به اصل آزادی و اصالت انسان، و آرای مارکسیست‌ها مبنی بر مالکیت دولتی به محدودیت آزادی‌های فردی و اصالت اجتماع ارجاع داده شود، اندیشه‌ی بهشتی با عبور از این دو دیدگاه، مدل خاصی را مورد نظر دارد. به نظر می‌رسد وی با پذیرش مالکیت خصوصی، آن را به مصالح اجتماع محدود می‌داند و کشاندن مفهوم آزادی به حوزه‌ی اجتماع و قائل شدن هویتی مستقل برای آن سبب می‌شود تا وی نظام اقتصادی مورد نظر خود را به دور از هدایت و نظارت دولت صورت‌بندی نکند.

بهشتی در بیان وجه دوم از نظریه‌پردازی خود، رویکرد ایجابی خود را بیان می‌کند که تأمین سرمایه از سوی دولت است (بهشتی، ۱۳۸۳: ص ۲۴۵). به زعم وی، رشد بدون نظارت سرمایه در جامعه و بی‌توجهی دولت به نقش هدایتی و نظارتی خود سبب می‌شود تا بخش مهمی از شهروندان در تأمین نیازهای اساسی ناتوان باشند. بنابراین، دولت موظف است تا اقتضائات اولیه‌ی

زندگی چنین افرادی را تأمین کند. اما راه تأمین چنین نیازهایی شیوه‌های صدقه‌ای و کمک‌های بلاعوض دولت نیست، بلکه دولت باید از طریق فراهم کردن امکانات و سرمایه برای راه‌اندازی مشاغل گوناگون، در این مسیر قدم بردارد.

نگاهی تطبیقی به دو رویکرد

با توجه به آنچه درباره نظریه امت، امامت و دیدگاه‌های بهشتی پیرامون مقوله حکمرانی مطرح شد، این رویکرد با نظریه حکمرانی خوب و مولفه‌های آن دارای اشتراکات و افتراقاتی خواهد بود. بدیهی به نظر می‌رسد که نظریه حکمرانی خوب به دلیل قرابت‌هایی که با اندیشه لیبرالیسم دارد، الزامات خاصی را پیگیری می‌کند. این نظریه در سیر تکامل علم توسعه قرار می‌گیرد و اگرچه تلاش دارد تا نسخه واحدی برای تمامی کشورها عرضه نکرده و مختصات فرهنگی و اجتماعی آن‌ها را در نظر بگیرد، اما به هر حال در برخی مسائل یا واجد و یا خالی از برخی گزاره‌هایی است که در اندیشه سیاسی بهشتی وجود دارد. بر این اساس، بخش حاضر در نظر ندارد تا وارد اختلافات بنیادین میان آرای این دو نظریه شود، زیرا بحث‌های گسترده هستی‌شناسانه، انسان‌شناسانه و روش‌شناسانه در اندیشه سیاسی لیبرالیسم و اسلام می‌طلبند؛ اما متناسب با موضوع اخیر به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین تفاوت‌هایی که میان این دو رویکرد وجود دارد و سایر تفاوت‌ها از آن نشأت می‌گیرد، تاکید بهشتی بر مفهوم امت است.

بهشتی زیربنای نخست نظام تازه تأسیس جمهوری اسلامی ایران را چنین پذیرشی از جانب مردم می‌داند (بهشتی، ۱۳۷۸: ص ۶۴-۶۳). حکمرانی در دیدگاه بهشتی مبتنی بر اصل «شناخت پیش از پذیرش» است. در حالی که نظریه حکمرانی خوب در مقام نظر، نحوه انتخاب حاکمان را به آرای عمومی، بدون هیچ قید و شرطی می‌سپارد و در مقام عمل نیز برای عنصر تبلیغات و مبارزات سیاسی و حزبی نقش پررنگی قائل است، نظریه امت و امامت، شناخت آگاهانه را پیش از پذیرش مطرح می‌کند: «رابطه امت و امامت در عصر ما، یک رابطه مشخص است. دقت بفرمایید! شناختن آگاهانه و پذیرفتن، نه تعیین و نه تحمیل» (همان: ص ۴۰).

«حاکمیت قانون» یکی از شاخصه‌های نظریه حکمرانی خوب است که در حوزه قضایی و

انتظامی تعریف می‌شود. اگرچه باید پذیرفت دیدگاه خاص بهشتی درباره آزادی و تفاوت آن با آزادی در اندیشه‌ی لیبرالیسم الزاماتی را در چیستی و چگونگی قانون و حاکمیت آن در محاکم قضایی و نظامی ایجاد می‌کند و بهشتی با نفی برخی از وجوه اندیشه‌ی لیبرالیسم به مرزبندی با آن می‌پردازد (ر.ک به: بهشتی، ۱۳۹۲/الف: ص ۹۵-۱۱۲)؛ اما می‌توان از هم‌سویی این شاخص با اندیشه‌ی سیاسی بهشتی در برخی مقوله‌ها سخن گفت.

عدالت در مجموعه شاخص‌های بانک جهانی برای حکمرانی خوب دیده نمی‌شود. رویکرد حکمرانی خوب در نقطه عزیمت خود از منظرهای متفاوتی به انتقاد از رویکردهای پیشین توسعه‌گرایانه می‌پردازد؛ در چنین نقدهایی جای مفهوم عدالت خالی است. از سوی دیگر، در خط سیر این نظریه نیز هیچ‌گاه تبیین جامع و شاملی از عدالت صورت نمی‌گیرد و در نهایت، در صورت‌بندی شاخص‌های نظریه نیز مولفه‌ای به عدالت اختصاص داده نمی‌شود. نظریه حکمرانی خوب اگرچه در مقایسه با نظریات پیشین توجه بیشتری به مفهوم عدالت اجتماعی و بازتوزیع منابع و فرصت‌ها دارد، اما به دلیل وابستگی‌های نظری و عملی به نظام فکری و فلسفی لیبرالیسم و الزامات اقتصادی و اجتماعی آن، مفهوم عدالت را در مجموعه اصول اساسی خود قرار نمی‌دهد. بنابراین، یکی از مهم‌ترین وجوه ممیزه رویکرد بهشتی نسبت به حکمرانی با نظریه‌ی حکمرانی خوب، پرداختن به مفهوم عدالت است.

در مباحث اقتصادی، خصوصی‌سازی موردنظر بهشتی با هدایت و نظارت دولت شکل می‌گیرد. دیدگاهی که می‌توان آن را در نظریه حکمرانی خوب رهگیری کرد. بر این اساس، در حالی که رویکردهای دولت حداقلی بر برتری بازار بر دولت و عدم مداخله‌ی دولت در اقتصاد تاکید دارد، حکمرانی خوب با برجسته کردن نقش هدایتی و نظارتی دولت، از دخالت هدفمند دولت در اقتصاد سخن می‌راند و حکم به برتری یکی بر دیگری نمی‌دهد. پس آنچه را که می‌توان به عنوان وجه سلبی اندیشه‌ی بهشتی نسبت به نظام سرمایه‌داری و رویکرد آن به رابطه دولت با بازار در نظر گرفت، اشتراکاتی با انتقادات نظریه‌ی حکمرانی خوب بر رویکرد دولت حداقلی خواهد داشت. به‌طور کلی اندیشه‌ی سیاسی بهشتی را می‌توان واجد رویکردی هدفمند به

دخالت دولت در اقتصاد، و در این وجه در تطبیق با رویکرد حکمرانی خوب نسبت به رابطه‌ی دولت و بازار دانست.

علاوه بر این به غیر از قرابت کلی دو رویکرد در تحلیل رابطه‌ی دولت و بازار، دیدگاه‌های اقتصادی بهشتی در ابعادی از شاخص «کنترل فساد» از مجموعه‌ی شاخص‌های شش‌گانه نظریه حکمرانی خوب نیز دیده می‌شود. یکی از سیاست‌های مورد اشاره بانک جهانی برای مقابله با فساد، توزیع منابع از سوی دولت برای مبارزه با فقر است، زیرا فقر یکی از ریشه‌های فساد تلقی می‌شود (Hunja, 2015: P1). دیدگاه بهشتی در الزام دولت برای جلوگیری از ایجاد شکاف اقتصادی در جامعه را می‌توان با چنین نگاهی تطبیق داد.

یکی دیگر از شاخص‌های نظریه‌ی حکمرانی خوب، «کیفیت قوانین و مقررات» با تمرکز بر تسهیل فعالیت بخش خصوصی است. از میان ۶ شاخص نظریه حکمرانی خوب، تقریباً تنها شاخصی که به‌طور مستقیم به حوزه‌ی مباحث اقتصادی مربوط می‌شود، همین شاخص کیفیت قوانین و مقررات است. انتقادات نظریه حکمرانی نسبت به رابطه‌ی دولت و بازار در نظام سرمایه‌داری، اشتراکاتی با انتقادات بهشتی به این تئوری دارد. بهشتی اگرچه از مالکیت خصوصی بدون ضابطه انتقاد می‌کند، اما صراحتاً با نوعی از اقتصاد که دولت تأمین‌کننده مستقیم تمامی نیازهای شهروندان باشد، مخالفت می‌کند. تاکیدات صریح بهشتی در نفی اقتصاد تمام‌دولتی که در تضاد با آزادی‌های اساسی انسان قرار دارد و تاکید وی مبنی بر لزوم حرکت به سمت اقتصادی که در آن بخش خصوصی مورد تشویق و حمایت واقع شود، از اشتراک این دو رویکرد است.

البته بهشتی با پایبندی به سنت فکری و دینی، اهدافی فراتر از رشد و توسعه‌ی اقتصادی را برای انسان متصور است، زیرا اساساً انسان موردنظر وی علاوه بر وجه این‌جهانی، واجد ساحتی اخروی نیز است که قاعدتاً الزاماتی را در زندگی این‌جهانی وی در پی دارد. بنابراین، رویکرد حکمرانی وی و مولفه‌های اقتصادی آن را می‌توان دارای همسانی بیشتری با بافتار جامعه ایران نسبت به نظریه‌ی حکمرانی خوب دانست، زیرا نظریه‌ی حکمرانی خوب به دلیل بسترهای فلسفی، فاقد چنین ابعادی است. به عنوان نمونه، بهشتی در بیانی که موید همین نکته است، از ابعاد

فراجسمانی انسان پلی به حکمرانی می‌زند (بهشتی، ۱۳۷۸: ص ۷۱).

شاخص «ثبات سیاسی و عدم وجود خشونت» در نظریه حکمرانی خوب نیز دارای ۲ نقطه اختلاف با دیدگاه بهشتی است، نخست این‌که در اندیشه بهشتی کارکرد تصاحب قدرت به عنوان هدف اولیه حزب مطرح نیست، تفاوت دوم این‌که وی حزب را ذیل نظریه امت و امامت و در راستای تحقق بخشی به اهداف امامت مطرح می‌کند. بنابراین، بهشتی به تکمیل و بومی‌سازی مفهوم و کارکرد تشکیلات و حزب در اندیشه‌های خود پرداخته است. شاخص «پاسخ‌گویی و اظهارنظر» در رویکرد حکمرانی خوب را هم می‌توان ذیل مولفه «آزادی» در اندیشه سیاسی بهشتی ارزیابی کرد.

دیگر شاخص نظریه حکمرانی خوب، «اثربخشی دولت» نام دارد که به بعدی از حکمرانی مربوط است که می‌توان از آن با عنوان «کارآمدی» نام برد. بررسی اندیشه‌های سیاسی بهشتی، نگارنده را به وجهی از دیدگاه وی که در قرابت با این شاخص و مفاهیم آن باشد، رهنمون ساخت. بدیهی است که این به معنای نبود هیچ‌گونه نشانه‌ای از مباحث شاخص اثربخشی دولت در اندیشه‌ی وی نیست، اما در مجموع و متناسب با مطالعات نگارنده، چنین مقوله‌ای را نمی‌توان در دیدگاه‌های بهشتی واجد انسجام و تداوم دانست که می‌تواند دلایل متعددی داشته باشد. ابتدا این‌که بهشتی تنها در حدود دو سال و نیم پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تاسیس نظام جمهوری اسلامی ایران به شهادت رسید. در مدت مورد اشاره نیز الزامات تدوین قانون اساسی، جدال‌های فکری و نظری در فضای ابتدای انقلاب، ترسیم و تفهیم مبانی انقلاب اسلامی و قانون اساسی و مواردی از این دست، ایجاب می‌کرد تا وی بیشتر زمان خود را به مباحث تئوریک اختصاص داده و به موضوعاتی نظیر آزادی، ماهیت نظام امت، امامت و نقش مردم در آن، لزوم نگرش تشکیلاتی، بیان مبانی اقتصاد اسلامی و غیره بپردازد. بنابراین اشتغالات فکری وی بیشتر معطوف به نظریه‌پردازی بود.

علت دیگری که می‌توان برای نبود بیان منسجمی از مفاهیم مرتبط با شاخص اثربخشی دولت در اندیشه بهشتی بیان کرد، این است که نظام تازه تاسیس جمهوری اسلامی ایران در زمان حیات

بهشتی در مرحله‌ی استقرار قرار داشت. این واقعیت زمانی حائز اهمیت است که این نکته مورد توجه قرار گیرد که اساساً شاخص اثربخشی دولت بیش از سایر شاخص‌های نظریه‌ی حکمرانی خوب به دوران ثبات حکومت‌ها مربوط است. تحقق این شاخص به زمینه‌هایی نیاز دارد که باعث می‌شود تا متاخر بر سایر شاخص‌های نظریه‌ی حکمرانی خوب باشد. پس بدیهی به نظر می‌رسد که اساساً اندیشه‌ی بهشتی با توجه به اهمیت استقرار و ثبات نظری و عملی نظام تازه تاسیس، بیشتر اندیشه‌های خود را معطوف به چنین هدفی کند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر تلاش کرد تا با نیم‌نگاهی به نظریه حکمرانی خوب و مولفه‌های آن، اندیشه‌ها و آرای سیدمحمد حسینی بهشتی را به عنوان یکی از تاثیرگذارترین افراد در شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی و تدوین قانون اساسی بررسی کند. این بررسی واجد نگاهی نوآورانه بود که آن، تحلیل ایده حکمرانی به عنوان مرکز ثقل اندیشه‌های وی است. به نظر می‌رسد اگرچه باید نظریه‌ها و رویکردهای نوین و مطرح در دنیا درباره حکمرانی و الزامات آن را مورد توجه قرار داد، اندیشه‌ها و دیدگاه‌های متفکرانی نظیر بهشتی نیز می‌تواند مفید واقع شود. در همین زمینه مشخصه‌های مطرح شده در نظام اندیشه وی را می‌توان قابل تطبیق‌تر با ویژگی‌ها و عناصر فرهنگی، سیاسی، مذهبی و اجتماعی جامعه‌ی ایران دانست. بهشتی با تکیه بر اندیشه نوگرایانه خود، مولفه‌هایی چون آزادی، عدالت، توجه به تشکیلات و دیدگاه‌های اقتصادی را به‌گونه‌ای مطرح می‌کند که می‌توان با نگرشی جدید دریافت که همگی متعلق به ایده حکمرانی هستند. ایده‌ای که آزادی و عدالت را به‌عنوان دو بال در کنار هم دارد و یکی را بر دیگری تفوق نمی‌دهد؛ تشکیلات و حزب را به‌عنوان یک فرهنگ و الزامی فراتر از رقابت‌های سیاسی می‌بیند و نظام اقتصادی موردنظر خود را به‌عنوان بدیلی برای سرمایه‌داری و سوسیالیسم صورت‌بندی می‌کند.

منابع

۱. احمدوند، ولی محمد؛ خراسانی، رضا (۱۳۹۶). امکان‌سنجی تحزب در جمهوری اسلامی ایران. سیاست متعالیه، سال پنجم، شماره هفدهم: ص ۱۵۴-۱۳۷.
۲. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۴). صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: مجلس شورای اسلامی، ج ۱-۳.
۳. بهشتی، علیرضا (۱۳۹۲/الف). شهید بهشتی و لیبرالیسم. در: همایش نگاهی دوباره به آثار و اندیشه‌های آیت‌الله بهشتی، دوره اول: ص ۹۵-۱۱۲.
۴. بهشتی، محمدحسین (۱۳۷۸). مبانی نظری قانون اساسی. تهران: بقیه.
۵. بهشتی، محمدحسین (۱۳۷۹). بررسی ویژگی‌های حکومت اسلامی. قم: بی‌نا.
۶. بهشتی، محمدحسین (۱۳۸۰). نقش آزادی در تربیت کودکان. تهران: بقیه.
۷. بهشتی، محمدحسین (۱۳۸۱). آزادی، هرج و مرج، زورمداری. تهران: بقیه.
۸. بهشتی، محمدحسین (۱۳۸۳). ولایت، رهبری و روحانیت. تهران: بقیه.
۹. بهشتی، محمدحسین (۱۳۸۶/الف). اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا. تهران: بقیه.
۱۰. بهشتی، محمدحسین (۱۳۸۶/ب). بانکداری، ربا و قوانین مالی اسلام. تهران: بقیه.
۱۱. بهشتی، محمدحسین (۱۳۸۶/ج). شناخت اسلام. تهران: بقیه.
۱۲. بهشتی، محمدحسین (۱۳۹۰/الف). پیامبری از نگاه دیگر. تهران: روزنه.
۱۳. بهشتی، محمدحسین (۱۳۹۰/ب). حزب جمهوری اسلامی؛ گفتارها، گفتگوها، نوشتارها. تهران: روزنه.
۱۴. بهشتی، محمدحسین (۱۳۹۲). فلسفه‌ی دین. تهران: روزنه.
۱۵. در مکتب قرآن. روزنامه ایران (۱۳۹۵/۰۴/۱۰). قابل دسترس در: <http://www.iran-newspaper.com/newspaper/BlockPrint/138076>
۱۶. فیرحی، داود (۱۳۹۴). فقه و سیاست در ایران معاصر. تهران: نی، ج ۲.
۱۷. قوام، عبدالعلی (۱۳۹۲). سیاست‌شناسی. تهران: سمت.

۱۸. کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد (۱۳۹۴). *مشق‌های حکمرانی خوب برای صیانت از حقوق بشر*. ترجمه حسن اسدی زیدآبادی. تهران: ناهید.
۱۹. مقدری، مهدی (۱۳۹۵). *درآمدی بر حکمرانی خوب*. تهران: جنگل.
۲۰. مؤمنی، فرشاد (۱۳۹۵/۰۴/۰۷). عدالت در اندیشه شهید بهشتی. *خبرگزاری شفقنا*. قابل دسترس در: <https://fa.shafaqna.com/news/191688/>
۲۱. میراحمدی، منصور (۱۳۹۵). *جزوه‌ی درسی تحلیل افکار سیاسی در اسلام و ایران*. مقطع کارشناسی ارشد. تهران: دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی.
22. Hunja, Robert (2015). **Here Are 10 Ways To Fight Corruption**. World Bank, Available at: <http://blogs.worldbank.org/governance/here-are-10-ways-fight-corruption>
23. Kaufmann, Daniel; Kraay, Aart & Mastruzzi, Massimo (2011). The Worldwide Governance Indicators: Methodology and Analytical Issues. *Hague Journal on the Rule of Law*, Volume 3, Issue 2: P 220–246
24. Lee, Soo Young & Whitford, Andrew (2009). Government Effectiveness in Comparative Perspective. *Journal of Comparative Policy Analysis: Research and Practice*, Vol. 11, Issue 2 : P249-281.
25. Uddin, Mohammad & Ashrafun, Laila (2007). Development Through Good Governance: Lessons For Developing Countries. *Asian Affairs*, Vol. 29, No. 3, pp: 1-28
26. www.worldbank.org/governance/WGI